

جامعه‌پذیری اقتصادی و رفتار پس‌انداز در میان کودکان

راهله جعفری (دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، نویسنده مسئول)

rah.jafari@yahoo.com

اسماعیل بلالی (عضو هیأت علمی و دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

balali_e@yahoo.com

چکیده

جامعه‌پذیری فرآیندی جدی و قطعی در هر اجتماع انسانی است که افراد خواسته و ناخواسته از بدو زندگی در معرض آن قرار می‌گیرند و شیوه زندگی خود را می‌آموزند. یکی از حوزه‌های جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری اقتصادی است. با توجه به اهمیت رفتارهای اقتصادی خصوصاً اهمیت پس‌انداز شخصی جهت رفاه و اقتصاد، اقتصاددانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به مطالعه چگونگی شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی از جمله رفتار پس‌انداز در افراد پرداختند، اما رفتار پس‌انداز در کودکان نادیده گرفته شده است. از این رو پژوهش حاضر به مطالعه ادراک‌ها یا برداشت‌های کودکان از پول پرداخته و بر آن است که برداشت کودکان از مفاهیم اقتصادی چگونه شکل می‌گیرد و تکامل و توسعه می‌یابد؛ زیرا گرایش‌های اقتصادی اعضای جامعه بر سایر جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های آن‌ها تأثیرگذار است و از این رو بررسی این حیطه از جامعه‌پذیری در علوم اجتماعی مفید و مؤثر است؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر مطالعه رفتار پس‌انداز کودکان و چگونگی و چرایی این رفتار در بین آن‌ها است. برای این امر از سه نظریه روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و اقتصاد بهره گرفته شده است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای و با استفاده از مصاحبه عمیق از ۴۰ کودک دختر و پسر همدانی در دوره ابتدایی و والدین آن‌ها به مطالعه انگیزه، نگرش و چگونگی رفتار پس‌انداز در بین کودکان پرداخته است. مصاحبه با والدین جهت بررسی تأثیرپذیری کودکان از رفتارهای پس‌انداز والدین است. طبق نتایج به دست آمده پنج مقوله از پژوهش استخراج شد. مقوله «طبقه اجتماعی و رفتارهای اقتصادی کودکان» به عنوان شرایط زمینه‌ای، مقوله «سبک زندگی والدین و گرایش به

پس انداز» به عنوان شرایط مداخله گر، مقوله «آموزش اقتصادی با دادن پول توجیبی» به عنوان استراتژی استفاده شده جهت یادگیری پس انداز و مقوله های «تفاوت های رفتاری جنسیتی» و «تفاوت های رفتاری سنی»، به عنوان مقوله های رفتاری استفاده شد. در نتیجه مقوله هسته با نام «انگیزه های پس انداز» استخراج شد.

کلیدواژه ها: رفتارهای اقتصادی؛ پس انداز، کودکان؛ گروندتئوری.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسأله

طی دو دهه گذشته نرخ پس انداز خانواده به طور عمده در خیلی از کشورهای ثروتمند بررسی شد و تفاوت هایی در بین کشورها مشاهده شد. نرخ پس انداز در برخی از کشورها کاهش یافته و در برخی دیگر روند افزایشی صورت گرفته است (اتنوا، ۲۰۱۲، ص. ۱۱). در ایران نیز نرخ پس انداز در برخی استان ها روند افزایش و در برخی دیگر روند کاهشی را دنبال کرده است. بر اساس گزارشات اقتصادی، مردم همدان پس انداز بالایی دارند. مطالعات آمایش سرزمین نشان می دهد، سهم پس انداز از درآمد قابل تصرف استان همدان در سال های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ به ترتیب معادل ۴٫۹ درصد و ۵٫۱ درصد بوده و روندی افزایشی داشته است (معاونت برنامه ریزی استانداری همدان دفتر برنامه ریزی و بودجه، ۱۳۹۰، صص. ۸-۹). در توضیح وضعیت این شاخص ها می توان متغیرهای ساختاری مختلف اقتصادی، اجتماعی و غیره را دخیل دانست؛ اما از حیث جامعه شناختی وجوه فردی و کنشی هستند و از حیث الگوهای رفتار اقتصادی قابل تحلیل هستند. از آنجایی که سال های اولیه به طور مکرر به عنوان سال های مهم، جهت توسعه فعالیت های اقتصادی، روندهای پس انداز و مدیریت پول محسوب می شود، این مطالعه به دنبال بررسی چگونگی جامعه پذیری اقتصادی در کودکان، نحوه آموزش و شکل گیری مفهوم پس انداز در آنها است. جامعه پذیری اقتصادی فرآیندی از یادگیری است که طی آن افراد اطلاعات، مهارت ها، رفتار و گرایش های لازم برای شرکت در فعالیت های اقتصادی موجود در اجتماع را کسب می کنند. طی این نوع جامعه پذیری است که کودک به یادگیری دنیای اقتصادی بزرگسالان می پردازد و سعی دارد تا درک خود را از دنیای اقتصادی گسترش دهد و به این صورت

با بخش‌هایی از دنیای اقتصادی آشنا می‌شود (اتنو، ۲۰۱۲، ص. ۳۸). استیسی^۱ جامعه‌پذیری اقتصادی را به عنوان یک فرآیند فعال و مستمر تعریف کرده است (به نقل از بونن، ایرل، لیا و ویلی ۱۹۹۹، ص. ۵۹۴). با این وجود تلاش‌های کمی برای ارزیابی این حیطه از رفتار در کودکان صورت گرفته. از این رو مطالعه حاضر در صدد است تا مطالعه کند افراد در همدان چگونه جامعه‌پذیر می‌شوند که باعث شده نرخ پس‌انداز این استان روندی افزایشی را طی کرده است. از طرفی ارزیابی عمیق رفتار پس‌انداز در کودکان منجر به درک بهتری از توسعه رفتارهای پس‌انداز می‌شود.

از عوامل مهم اثرگذار بر رفتار اقتصادی افراد، نحوه یادگیری رفتار اقتصادی در دوران کودکی است؛ زیرا زمینه اولیه و فهم اولیه افراد در خانواده به وجود می‌آید و در مراحل بعد تقویت و بازتولید شده و تغییر می‌کند. اطلاعات کودک درباره پول با میزان تجربه‌های او از پول و حتی نگرش والدین آن‌ها نسبت به پول و عادت‌های مصرفی آن‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد (موسوی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳). خانواده از طریق عملکردهای خود؛ یعنی القای ارزش‌ها و تحمیل ارزش‌ها به شکل‌گیری طبع و قریحه کلی و انتقال‌پذیر نسبت به فرهنگ مشروع کمک می‌کند. از این رو نیاز مبرم به آموزش کودکان و آشنایی آن‌ها به رفتارهای اقتصادی وجود دارد تا آنان بتوانند مدیریت پول خود را در آینده به درستی بر عهده بگیرند.

۱.۲. سؤال‌ها

از آنجایی که گروه‌های اجتماعی مختلف، رفتارهای اقتصادی یکسان ندارند، باید به ارتباط مقولاتی چون جنسیت، سن، سطح درآمد و طبقه اجتماعی با نوع جامعه‌پذیری افراد و ادراکشان از مقوله‌های اقتصادی توجه کرد. از این رو مهم‌ترین سؤالی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن است، این است که چه ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری از پس‌انداز، در بین کودکان شهر همدان با توجه به تفاوت‌های سنی، جنسی و طبقه اجتماعی آن‌ها وجود دارد؟

سوال‌های دیگری که می‌توان در این راستا طرح کرد به قرار زیرند:

- ارزش‌ها و نگرش‌هایی که در کودکان نسبت به پس‌انداز وجود دارد، چیست؟
- آیا عادات پس‌انداز کودکان، تابعی از درخواست والدین است؟

- چه الگوهایی از پس انداز در بین کودکان با توجه به تفاوت‌های سنی، جنسی و طبقه اجتماعی آنها وجود دارد؟

۳.۱. اهداف

با توجه به این مقدمه، اهداف زیر مدنظر پژوهش بوده‌اند:

- شناسایی ارزش‌ها و نگرش کودکان نسبت به پس انداز
- شناسایی الگوهای رایج پس انداز در بین خانواده‌های هم‌دانی و اثرگذاری آن بر پس انداز کودکان

- شناسایی الگوهای رایج پس انداز با توجه به تفاوت‌های سنی، جنسی و طبقه اجتماعی

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. مرور پیشینه

بررسی محققان در مطالعات داخلی حاکی از آن بود که تاکنون پژوهشی با عنوان خاص جامعه‌پذیری اقتصادی به کودکان انجام نشده است یا محققان به تحقیقاتی در این خصوص دست نیافتند، اما در سطح جهانی مطالعات بسیاری در حوزه جامعه‌پذیری اقتصادی، به خصوص جامعه‌پذیری اقتصادی کودکان انجام یافته است. در این مطالعات بر محورهای مختلفی مانند: سن، جنسیت، نژاد، فرهنگ، نقش والدین، تأثیر نهادهای آموزشی و نوع نگرش سیاسی و پس انداز تأکید شده است. از آنجایی که در این پژوهش فقط به نقش والدین در جامعه‌پذیری اقتصادی و میزان پس انداز در کودکان می‌پردازیم، به نتایج به دست آمده در خصوص نقش والدین در آموزش مهارت‌های اقتصادی کودکان اشاره می‌شود:

الف) نقش والدین: والدین جزء تأثیرگذارترین عوامل بر روند جامعه‌پذیری اقتصادی کودکان هستند. پژوهش‌گرانی چون دینهارت و جفریز^۱ (۱۹۷۱)، کریستین رونالدوی^۲ (۱۹۹۰)، هراره و فریدمن (۱۹۹۰)، مورتایمر^۳، لی و فینچ (۱۹۹۴)، ویلی و نیهاز (۲۰۰۶)، وانگ^۴ و همکاران (۲۰۰۷)،

1 Denhardt and Jeffress

2 Christine Roland-levy

3 Mortimer, lee and Finch

4 Wong

اتنو (۲۰۱۲) و وبلی و نیهاز (۲۰۱۲)، اختر^۱ و همکارانش (۲۰۱۲)، به تأثیر این عامل پرداخته و نتایج تقریباً مشابهی به شرح زیر به دست آورده‌اند:

- ۱- بسیاری از پاسخ کودکان، شبیه پاسخ والدین‌شان است.
- ۲- والدین تأثیر فوری و بلندمدت بر رفتار اقتصادی کودکان دارند، به صورتی که مثلاً مقداری که نوجوانان پس‌انداز می‌کنند با مقداری که پدر و مادرانشان پس‌انداز می‌کنند، مرتبط است و این جهت‌گیری‌های آینده نوجوانان توسط جهت‌گیری‌های آینده پدر و مادرانشان پرورش می‌یابد.
- ۳- والدین تأثیر بارزی بر رفتار اقتصادی کودکان و رفتار آن‌ها در بزرگسالی می‌گذارند.
- ۴- دانش کودکان با توجه به طبقه خانوادگی و سطح دانش والدین‌شان متفاوت است. دانش و درک کودک از مفاهیم اقتصادی، اغلب از طریق تجربه به دست می‌آید.
- ۵- والدین با وضعیّت اجتماعی و اقتصادی بالاتر نسبت به والدین در سطوح اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر، کمک هزینه بیشتری به فرزندانشان پرداخت می‌کنند.
- ۶- والدین در خانواده‌های دو والدی (دارای پدر و مادر)، نسبت به والدین در سایر انواع خانواده‌ها، احتمال کمتری دارد که به فرزندان خود کمک هزینه بپردازند.
- ۷- والدین مهم‌ترین منبع نفوذ بر پس‌انداز و خرج فرزندان هستند.
- ۸- زمینه اجتماعی خانواده، نحوه تشویق والدین به پس‌اندازکردن و رفتارهای والدین از جمله عواملی هستند که بر پس‌اندازکردن در کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارند.
- ۹- تشویق بیشتر والدین به کنترل بهتر هزینه‌ها، اولویت دادن به پس‌انداز نسبت به هزینه‌کردن و گرایش به آینده در کودک می‌انجامد.
- ۱۰- خانواده به طور مستقیم و غیرمستقیم در جامعه‌پذیری مصرف تأثیرگذار است. والدین ارزش‌های فردی خود را در مورد مصرف به کودکانشان در سنین اولیه کودکی آموزش می‌دهند.
- ۱۱- والدین تا زمانی که کودک به بزرگسالی برسد، به عنوان عامل اصلی جامعه‌پذیری عمل می‌کنند و جامعه‌پذیری کودکان تابعی از سبک‌زندگی والدین است.
- ۱۲- کودکان رفتار خرید را از والدین‌شان می‌آموزند و آن را تکرار می‌کنند.

۱۳- کودکان دارای مادران شاغل، بیشتر از کودکانی که مادران آنها کار پاره‌وقت دارند یا خانه‌دار هستند، در معرض خرید مستقلانه قرار دارند.

۱۴- وضعیت اشتغال مادر اثر قابل توجهی در تمهیدات کمک‌هزینه‌ای ندارد.

(ب) نگرش نسبت به پس‌انداز کردن:

در خصوص پس‌انداز کردن در بین کودکان دو دیدگاه مثبت و منفی وجود داشت. به صورتی که برخی از پژوهش‌ها معتقد بودند کودکان پس‌انداز را خوب و برخی دید منفی نسبت به آن داشتند. لیندکوئیست^۱ (۱۹۸۱)، جوندین^۲ (۱۹۸۸)، و بلی، لیون و لوئیس^۳ (۱۹۹۱)، سونوگا^۴ و بلی (۱۹۹۳)، اتنو (۲۰۰۹) در پژوهش‌های خود در خصوص پس‌انداز کردن به یافته‌های زیر دست یافتند:

۱- پس‌انداز حس امنیت خاطر می‌دهد.

۲- پس‌انداز حس استقلال می‌دهد.

۳- پس‌انداز باعث مدیریت پول می‌شود.

۴- کودکان اهداف بلندمدت و نگرانی جهت آینده ندارد.

۵- کودکان پول‌هایشان را پس‌انداز می‌کنند چون شنیده‌اند که خوب است.

کودکان نمی‌توانند در دوره‌های زمانی طولانی پول خود را پس‌انداز کنند؛ زیرا احتمال این وجود دارد که وی در روز بعد پول خود را برای چیزی که نیاز داشته است خرج کند.

۶- نحوه پس‌انداز کردن پول کودکان مهم است. نمی‌توان پول‌های کودک را برای مدت طولانی در

فلک وی نگه داشت، بلکه باید سعی کرد از ۵ یا ۶ سالگی برای وی حساب بانکی مشخصی باز

کرد که هم منبع نگهداری پول وی باشد و می‌تواند به وی در کنترل و سوسه‌های خرج کردن پول

کمک کند و همچنین درک وی از پول و بانک را به مرور زمان افزایش می‌دهد.

۷- کودکان با پس‌انداز کردن با نحوه مدیریت پول آشنا می‌شوند.

البته تعدادی از کودکان هم نسبت به پس‌انداز دید مثبت نداشتند و نظرشان به شرح ذیل است:

1 Lindqvist

2 Jundin

3 Webley, Levine & Lewis

4 Sonuga

۱- کودکان پس‌انداز کردن را دوست نداشته و احساس خوبی درباره آن ندارند. آنها فقط پس‌انداز می‌کنند؛ زیرا فکر می‌کنند که پس‌انداز کردن هدف آنها است و باید این کار را انجام دهند.

۲- کودکان گذاشتن پول در بانک را معادل خرج کردن آن می‌دانند، بنابراین برای آنها، این کار با از دست دادن پول درک می‌شود.

۳- کودکان بیان کرده‌اند که والدینشان به آنها گوشزد می‌کنند که پولشان را پس‌انداز کنند. در واقع پس‌انداز کودکان بازتاب نصیحتی است که از والدین خود دریافت کرده‌اند. چنان‌که ذکر شد در حوزه جامعه‌پذیری اقتصادی در خارج مطالعات گسترده‌ای انجام گرفته است. چیزی که در کشور ما مورد کم‌توجهی یا بی‌توجهی قرار گرفته است؛ بنابراین این پژوهش با استفاده از روش کیفی به مطالعه رفتارهای پس‌انداز کودکان در شهر همدان می‌پردازد.

۲.۲. رویکردهای نظری

دیدگاه‌ها و تئوری‌های مختلفی در خصوص جامعه‌پذیری مطرح است از جمله آنها می‌توان به دیدگاه روان‌شناختی، دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، دیدگاه جامعه‌شناختی و دیدگاه اقتصادی اشاره کرد که در طول پژوهش تعدادی از آنها مطالعه شده و در مفهوم‌سازی به محقق کمک خواهند کرد. پژوهش حاضر به صورت کیفی و با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای انجام می‌گیرد. زمانی از این رویکرد استفاده می‌شود که نظریه‌ای وجود ندارد یا نظریه‌های موجود کفایت نمی‌کنند و محقق در مقام اصلاح و تعدیل نظریه‌هایی است که می‌خواهد در توصیف و فهم یک پدیده از آن استفاده کند. این نوع پژوهش‌ها بیشتر جنبه اکتشافی دارند. از این رو پژوهش حاضر قصد آزمون هیچ نظریه‌ای را نداشته و به فرضیه‌آزمایی نمی‌پردازد و با مطرح کردن نظریه‌های موجود در این موضوع، تأثیر مستقیمی بر کلیت این تحقیق نخواهد گذاشت، بلکه هدف از آوردن نظریه‌ها تنها به منظور دست‌یابی به حساسیت نظری است؛ یعنی اینکه نظریه‌ها در پس‌زمینه ذهنی محقق قرار گرفته و راهنمای پژوهش است. در نتیجه محقق با استفاده از روش‌های مناسب جمع‌آوری داده‌ها و کشف چارچوب مفهومی مناسب در انتهای پژوهش و با خلق نظریه جدید یا مدل ارائه شده، می‌تواند گام مهمی در پرکردن خلاءهای نظری موجود در خصوص جامعه‌پذیری اقتصادی بردارد و به جامعه علمی کمک کند.

- دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی

- نظریه شناختی - اجتماعی

بنیان‌گذار نظریه شناختی - اجتماعی یادگیری آلبرت بندورا روان‌شناس کانادایی است. وی معتقد است یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد. در واقع به نظر وی آموزش تنها وسیله برای یادگیری نیست، بلکه بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان از طریق مشاهده رفتار دیگران و تقلید صورت می‌گیرد (سیف، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۷). طبق نظر بندورا (۱۹۷۷) کودکان رفتارهای جدید را از طریق بازنمایی در ذهن و الگوسازی فرا می‌گیرند که به آن نظریه یادگیری اجتماعی یا مشاهده‌ای می‌گویند؛ یعنی کودک تلاش می‌کند آنچه را که در محیط خود مشاهده کرده است در ذهن ثبت کند و بعداً آن را به صورت رفتار اجتماعی در جامعه تکرار کند (به نقل از هرراه و فریدمن، ۱۹۹۰، ص. ۴۹۷).

بندورا یادگیری اجتماعی یا مشاهده‌ای را مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری به حساب می‌آورد (کدیور، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۸). و آن را شامل چهار فرآیند اصلی؛ توجه، یادسپاری، بازآفرینی و مرحله انگیزشی می‌داند. در اولین مرحله کودک با تمام دقت توجه می‌کند و عوامل زیادی چون جذابیت، شهرت، شایستگی و مورد احترام بودن در جلب توجه افراد برای وی دخالت دارد (سیف، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۸). در مرحله دوم اطلاعات را رمزگذاری کرده و در حافظه نگاه می‌دارد تا قابل بازیابی شود. در مرحله سوم الگوها تقلید شده و آن رفتارهایی را که توان انجام آن می‌باشد، همانندسازی می‌شود؛ زیرا خیلی از اعمال از عهده کودک بر نمی‌آید. مرحله آخر کودکان به انجام کارهایی می‌پردازند که مورد تشویق قرار گرفته و آن‌ها را تقلید می‌کند (ارکانی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۴-۲۴۰).

- نظریه خودکنترلی

نظریه خودکنترلی ابتدا توسط تورزن و ماهونی^۳ (۱۹۷۴) مطرح شد و سپس بندورا (۱۹۷۷) به بحث وسیع‌تر آن پرداخت و یک مدل صوری مشتعل بر سه عنصر کلیدی مشاهده عملکرد،

1 Bandura

2 environmental learning theory

3 Torzen & Mahoney

فرآیندهای قضاوتی و پاسخ‌های خود-واکنشی ارایه داد. بندورا و کروان^۱ خودکنترلی را به عنوان پیشرفت‌های اجتماعی شدن دانستند و معتقدند باور و شناخت فرد از خود و توانایی‌هایش می‌تواند موجب تداوم انگیزه برای یادگیری شده و افراد را برای عملکرد خود تنظیم در یادگیری و کنترل هر چه بیشتر فرآیند آن آماده کند (طالب‌زاده نوبریان، ابوالقاسمی، عشوری نژاد و موسوی، ۱۳۹۰، ص. ۶۱). خودکنترلی در فرآیند جامعه‌پذیری اقتصادی مهارتی است برای انکار داشتن چیزهایی که در زندگی وجود آن‌ها لذت‌بخش است، ولی ضروری نیستند که این باعث موفقیت در رفتارهای اقتصادی خصوصاً در پس‌انداز می‌شود. البته درک کردن این موضوع ارتباط مثبتی با سن و هوش کودک دارد، اما اگر کسانی که این امر در آن‌ها درونی شود؛ یعنی کسانی که از کودکی توانسته‌اند خواسته‌های خود را کنترل کنند در آینده نیز بهتر می‌توانند بر خواسته‌های خود غلبه کنند.

- دیدگاه جامعه‌شناختی

- سبک زندگی

سبک زندگی یک الگوی متعارف رفتاری در امر مصرف را گویند. از آن‌جایی که هر انسانی منحصر به فرد است و سبک زندگی ویژه خود را دارد؛ بنابراین رفتار مصرفی او نیز منحصر به فرد است و الگویی را بر می‌گزیند که با دنیای ذهنی‌اش منطبق باشد، حال اگر این الگو مورد پسند عده‌ای دیگر قرار گیرد، سبک زندگی مشترک را شکل می‌دهد (خادمیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۸). زمانی بود که در جامعه الگوهای طبقاتی در تحلیل رفتارهای اقتصادی مبنای قرار می‌گرفت و بیشتر دارایی‌ها تعیین‌کننده بودند، اما امروزه انسان‌ها و رای‌داری‌هایشان مصرف می‌کنند که سبک زندگی آن‌ها را دیکته و انتخاب-هایشان را به سوی تنوع موقعیت‌ها هدایت می‌کند و مصرف‌گرایی یک ایدئولوژی معنابخش در زندگی به شمار می‌آید و مصرف توده‌ای مدرن بیش از اینکه مبتنی بر نیاز باشد، براساس امیال است. به همین دلیل است که مثلاً برای بعضی خانواده‌ها ممکن است خرید اتومبیل‌های بزرگ و گران‌افراطی و عجیب و بعضی دیگر ضروری و متداول باشد (دینهارت و جفریز، ۱۹۷۱، ص. ۱۲۲). رفتارهای خرید و نوع انتخاب وسایل و انتخاب برای خرید از بین قیمت‌های مختلف بر روی

انتخاب کودکان هنگام خرید تأثیرگذار است. به این دلیل است که گفته شده سبک زندگی والدین تأثیر بسیاری بر رفتارهای اقتصادی افراد دارد.

از طرفی والدینی که زود به عواطف کودکان خود پاسخ می‌دهند باعث می‌شوند که کودکانشان زود وسوسه‌شده و بیشتر از بقیه در مواجهه با محدودیت‌های کوتاه‌مدت مالی به آن‌ها تکیه کنند؛ زیرا آن‌ها به طور نامنظم برای فعالیت‌های خاص پول دریافت می‌کنند (اتتو، ۲۰۱۲، صص. ۸-۷)؛ بنابراین در مطالعه رفتارهای اقتصادی کودکان نظریه سبک زندگی والدین کاربرد بسیاری دارد.

- دیدگاه اقتصادی

- نظریه پس‌انداز

پس‌انداز به معنای جمع‌آوری اضافی درآمد در طی یک دوره زمانی مشخص است (اتتو، ۲۰۱۲، ص. ۲۲). کاتونا^۱ (۱۹۷۵) پس‌انداز را بیانگر بخشی از درآمد می‌داند که برای استفاده در آینده ذخیره می‌شود و بنابراین ممکن است برای ایجاد رفاه به کار رود. او معتقد است افراد با پس‌انداز کردن نگرانی‌های مالی‌شان کاهش می‌یابد و با بهتر هزینه‌کردن پول، رفاه خود را در آینده تضمین می‌کنند (اتتو، ۲۰۰۹، ص. ۱۳). فریدمن هدف از پس‌انداز را جلوگیری از نوسان‌های مصرف در طول زمان در یک حالت تعادلی می‌داند (رنج‌پور، کریمی و شکری، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷). در واقع ایده اصلی این نظریه این است که افراد تلاش می‌کنند درآمدشان در طی مدت زندگی ثابت بماند. بارها در طی زندگی وقتی درآمدی کمتر از سطح مورد انتظار داشته باشند از کسی پول قرض می‌گیرند و در مقابل وقتی با افزایش درآمد مواجه شوند اضافه آن را پس‌انداز می‌کنند. به این صورت فرد می‌تواند هزینه‌های زندگی خود را بهینه سازد (اتتو، ۲۰۰۹، ص. ۱۸).

رفتار و درک کودک از پس‌انداز، مانند سایر رفتارهای اقتصادی در میان گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که به وسیله افرادی ویژه و نیز به کمک تسهیلات و عوامل اجتماعی و نهادی تحقق می‌یابد (فرنهام و آرگایل، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۱). کودکان به دلایل مختلف و به طرق مختلف به هنگام بزرگ‌شدن تمایل به پس‌انداز بیشتر دارند (اتتو، ۲۰۰۶، ص. ۵۸). برای پس‌انداز کردن، حساب بانکی مفید است، اما نه در همه سنین (فرنهام و آرگایل، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۱). مثلاً از نظر کودک شش‌ساله بانک

محل امنی برای نگهداری پول نیست. این کار برای کودکان کمتر از ۱۲ سال مناسب نیست؛ زیرا در سن ۱۲ سالگی است که کودکان می‌توانند درک درستی از بانک داشته باشند و با رفتن از بانک و فعالیت‌های بانکی و پولی به فهم استراتژی‌های پس‌انداز آگاهی یابند. البته به مرور زمان داشتن حساب پس‌انداز بانکی بر روی پس‌انداز آن‌ها در بزرگسالی تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا طبق یافته‌ها استفاده از حساب بانکی، عادت به پس‌انداز کردن را افزایش می‌دهد (اتتو، ۲۰۱۲، ص. ۷).

- جمع‌بندی مباحث نظری

از آنجایی که پژوهش حاضر جنبه اکتشافی دارد، از نظریه برای هدایت عمومی تحقیق و ایجاد حساسیت نظری و تدوین برخی سؤال‌های عمومی جهت ورود به میدان مطالعه استفاده خواهیم کرد.

۳. روش تحقیق

حوزه اصلی این مطالعه بررسی دانش و شناخت کودکان از دنیای اقتصادی است. به همین منظور از روش کیفی برای انجام پژوهش بهره گرفته شد. این روش رویکردهای مختلفی دارد و طرح پژوهشی در هر یک از این رویکردها ابعاد متمایزی را در بر می‌گیرد. رویکرد پژوهش حاضر، رویکرد زمینه‌ای است. انتخاب این رویکرد به دلیل ویژگی خاص موضوع که ماهیتی فرآیندی، سیال و اکتشافی دارد، بوده است. تفاوت این رویکرد با سایر رویکردهای پژوهش کیفی، فقدان نظریه از پیش تعیین‌شده و تأکید این رویکرد بر تکوین نظریه است. در این رویکرد گردآوری داده‌ها بر حسب پیشرفت نظریه توسط محقق تعدیل می‌شود؛ یعنی مسیرهای اشتباه کنار گذاشته شده و سؤال‌های مورد نیاز مرتبط بیشتری پرسیده می‌شود. داده‌ها درحین فرآیند گردآوری آن‌ها بررسی شده و کدگذاری اولیه شروع می‌شود. از بین داده‌های جمع‌آوری شده مجدداً سوالاتی مطرح شده و به جمع‌آوری مجدد یافته پرداخته می‌شود. در واقع یک فرآیند رفت و برگشتی صورت می‌گیرد تا به غنای مفهومی برسد.

پژوهش حاضر جهت ارائه نظریه، مستلزم گردآوری داده‌های متنی - مصاحبه‌ای عمیق است. مصاحبه‌های انجام شده به صورت رو در رو بوده و با استفاده از دستگاه ضبط صدا مصاحبه‌ها ضبط شده و بلافاصله پیاده‌سازی شد و کدگذاری و تحلیل اولیه انجام شد. محققان در آغاز هر مصاحبه

پس از معرفی خود به والدین مشارکت‌کنندگان و مطرح کردن هدف تحقیق، سپس با سؤالاتی باز نظیر «باید چطوری به کودک رفتارهای اقتصادی رو آموزش داد؟ خودتون چطور رفتار می‌کنید؟ می‌شه بیشتر توضیح بدهید؟» مصاحبه آغاز شد و سپس مصاحبه هدایت شد.

از آنجایی که کودکان بیشترین تأثیر را در جامعه‌پذیری از والدین‌شان می‌پذیرند و انگیزه آن‌ها برای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط والدی‌شان القا می‌شود؛ از این‌رو جهت مطالعه رفتارهای پس‌انداز کودکان نیاز به کسب اطلاعات از کودک و والدین است. در پژوهش حاضر از ۴۰ کودک دختر و پسر در مقطع ابتدایی و والدین آن‌ها مصاحبه صورت گرفت. انتخاب حجم نمونه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند که خاص تحقیقات کیفی - میدانی است، انجام شد. نمونه‌گیری نظری فرآیندی است که در آن پژوهش‌گر درحین جمع‌آوری، کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور ایجاد نظریه در حال شکل‌گیری، تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعد، درباره چه موضوعاتی (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰، ص. ۶۳) و در چه مکانی داده جمع‌آوری کند تا بتواند به توسعه نظریه پردازد (گلاسر و اشتروس^۱، به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۵). هدف از این نمونه‌گیری، گرفتن نمونه از حوادث، رخدادها و امثال آن‌ها است (استراس و کوربین^۲، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶). در این پژوهش، در گام اول به گزینش نمونه‌ای از کودکان در طبقات اجتماعی و مناطق جغرافیایی متفاوت اقدام شد. این گزینش براساس میزان دسترسی و همچنین میزان هم‌کاری والدین و کودکان در پاسخ‌گویی به سؤالات بود. سپس در گام دوم پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و بیرون کشیدن مقوله‌ها، مشخص شد که در مرحله بعد باید به سراغ چه کسانی رفت. به عبارت دیگر جهت تعمیم نتایج از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. به این منظور با کودکان بر اساس عواملی نظیر سن، جنسیت، فرهنگ، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سبک‌زندگی، تحول خانواده، انتظارات والدین، تحصیلات والدین، شغل والدین و ساختار تصمیم‌گیری خانواده مصاحبه شد. شایان ذکر است نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا کرد تا اشباع نظری حاصل شود.

1 Glaser and Strauss
2 Strauss and Corbin

۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت به مطالعه مصاحبه‌های صورت گرفته در خصوص رفتارهای اقتصادی کودکان و والدین آن‌ها پرداخته و پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها به کشف مفاهیم و مقولات پرداخته و مدل نهایی پژوهش را ارائه می‌دهیم.

- آموزش با دادن پول توجیبی

طبق مصاحبه‌های صورت گرفته، اکثر والدین از طریق دادن پول توجیبی به کودکان، آن‌ها را با نحوه خرج کردن و پس انداز و مدیریت پول آشنا می‌کنند. والدین پول توجیبی را اولین گام برای آشناکردن کودکان با فعالیت‌های اقتصادی می‌دانستند. عده‌ای از والدین پول توجیبی را روشی برای کنترل تقاضاهای کودکان می‌دانستند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص بیان کرده است:

«تا پنج سالگی که نه، ولی بعد از اون برایش یک کیف پول گرفتم تا مقدار پول‌هایی که خودش خرج می‌کنه رو بفهمه. اوایل که می‌رفتیم بازار، همیشه گریه می‌کرد همه چیز می‌خواست. بعد از اینکه برایش کیف خریدم، پول رو دادم به خودش بهش گفتم الان داریم می‌ریم بیرون، شما فقط حق داری یک چیز بخری اون هم با پول خودت، خیلی مؤثر بود و دیگه گریه نکرد که من این رو می‌خواهم و این رو نمی‌خواهم. بعد که می‌رفتیم بیرون می‌گفت، به نظرت می‌شه من این رو بخرم، می‌گفتم بله می‌شه. البته با پول خیلی کم، چون من باید با توجه به درآمد باباش بهش پول می‌دادم و نمی‌تونستم پول خیلی زیادی بهش بدم».

دادن پول توجیبی به کودکان کوچک‌تر به صورت روزانه و برای بزرگترها بیشتر به صورت هفتگی بود. میانگین میزان پول توجیبی با افزایش سن، بالاتر بود. مشارکت‌کنندگان بیان کرده‌اند:

«بله، هر روز هزار، پانصد یا سیصد می‌گیرم».

«هفتگی به من سه تومن پول میدن، نصفش رو میدم چیزهای مهم، نصفش هم پس انداز می‌کنم».

- تفاوت‌های رفتاری جنسیتی

در لابه‌لای یافته‌ها تفاوت‌های بسیاری در نحوه رفتار اقتصادی با کودکان در جنسیت‌های مختلف دیده شد. البته این تفاوت‌ها بیشتر در طبقات متوسط و پایین‌تر دیده شده است. به این صورت که

وقتی از والدین سؤالاتی در خصوص نحوه رفتارهای اقتصادی آنها با کودکان پرسیده شده، بیان کرده‌اند که به فرزندان پسر بیشتر از دختر پول توجیبی می‌دهند.

«بیشتر به پسر پول می‌دهم».

والدین برای این نوع رفتار خود نیز توجیح بیان کرده‌اند. به نظر آنها پسران بیشتر به داشتن پول علاقمند هستند و برای گرفتن پول بیشتر به والدین خود مراجعه می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده است:

«به دخترم پول بدهم یا ندهم، حرفی نمی‌زنم، ولی پسر مدام از من پول می‌گیرد».

اما در خصوص تفاوت در نحوه رفتارهای جنسیتی، موارد دیگری نیز دیده شد. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده است:

«برای دخترم پولش رو که می‌خواهم پس‌انداز کنم، براش میدم طلا می‌گیرم. ولی برای پسر حساب وام مسکن باز کردم».

این نوع والدین نیز برای این تفاوت در رفتارهای خود توجیح آورده‌اند:

«چون میگم دختر وقتی میره خانه شوهر خودش می‌تونه خونه بخره، ولی پسر ما باید براش خونه بگیریم».

تفاوت در رفتارهای اقتصادی نه تنها در نوع پرداخت پول و نحوه پس‌انداز پول برای کودکان متفاوت است، بلکه این تفاوت نیز در نوع آموزش رفتارهای اقتصادی به کودکان تأثیرگذار بوده است. به این صورت که والدین سعی داشتند پسران را در جریان مسایل و مشکلات اقتصادی قرار دهند، اما دختران را از این مسایل تا جای ممکن دور نگاه می‌داشتند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده است:

«دخترهام رو در جریان مسایل و مشکلات مالی خونه قرار نمیدم فقط به پسر می‌گم. چون می‌خواهم که بدونم آدم باید درآمد مالیش رو با خرجش مدیریت کنه، هم اینکه بعدا تو زندگی به مشکل مالی برخورد، بتونه با مشککش کنار بیاد».

- تفاوت‌های رفتاری سنی

کودکان در خصوص پس‌انداز در سنین مختلف نگرش‌های مختلفی داشتند. کودکان در سنین زیر ۸ سال، از گذاشتن پول در بانک احساس نارضایتی می‌کردند. تعدادی از کودکان چون در این سن

درک درستی از پس‌انداز و خصوصاً پس‌اندازکردن پول از بانک ندارند، از این رو اکثر آن‌ها گذاشتن پول در بانک را معادل خرج کردن آن می‌دانستند. در واقع آن‌ها احساس می‌کردند که پول خود را از دست داده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص گفت:

«پولم رو مامانم برام گذاشته بانک، دیگه گم شده».

اما کودکان در سنین هشت تا زیر ده سال درک بهتری از پول داشتند. نگرش آن‌ها نسبت به پس‌انداز به این صورت بود که آن‌ها پول را پس‌انداز می‌کنند تا بتوانند وسایلی را که نیاز دارند خریداری کنند، اما درک کودکان از پس‌انداز با افزایش سن‌شان بیشتر شد. به این صورت که کودکان بالای ده سال بیان داشتند پس‌اندازکردن پول باعث می‌شود آن‌ها خود را در برابر وسوسه‌های خرج کردن کنترل کنند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان داشته است:

«پولم رو که توی بانک می‌گذارم، باعث میشه که پولهام جمع بشه و الکی خرجشون نکنم».

- طبقه اجتماعی و رفتارهای اقتصادی کودکان

نحوه اقدام به پس‌انداز در کودکان طبقات مختلف، متفاوت است. به این صورت که اکثر کودکان طبقه متوسط به پایین و پایین بیان داشتند، پول خود را نزد والدین جمع‌آوری می‌کنند و کودکان متوسط و بالاتر اکثراً جهت پس‌انداز، پول‌های خود را در بانک نگهداری می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ای از طبقه متوسط به پایین بیان کرده:

«پولم رو می‌دهم به مامانم که برام نگه داره».

مشارکت‌کننده‌ای نیز از طبقه بالا بیان کرده:

«من از بچگی همیشه پول‌هام رو جمع کردم، گذاشتم بانک».

انگیزه‌های مختلفی برای پس‌اندازکردن وجود دارد که این امر توسط چندین محقق مطالعه شده است. از جمله این عوامل احتیاط، دوران‌دیشی، محاسبه، پیشرفت، استقلال، سرمایه‌گذاری، غرور، حرص و طمع بوده است (اتنو، ۲۰۱۲). این انگیزه نیز در بین کودکان وجود دارد، اما بسیار متفاوت از انگیزه‌های بزرگسالان است؛ زیرا کودکان یا اهدافی را دنبال نمی‌کنند یا اهداف کوتاه‌مدتی را در نظر دارند. یافته‌ها نیز حاکی از آن است که بسیاری از کودکان هدف‌های کوتاه

مدتی را در ذهن خود در نظر می‌گیرند. تعدادی از کودکان مقدار پولی که نزد خود پس‌انداز کرده‌اند، در کمتر از دو هفته خرج می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده است:

«من چند روز پول‌هام و جمع کردم و رفتم یک تفنگ خریدم».

البته تعدادی از کودکان نیز هستند که مدت بیشتری پول خود را جمع‌آوری می‌کنند. این کودکان را بیشتر رده سنی بالای ده سال تشکیل می‌دهد. علت طولانی شدن مدت پس‌انداز آن‌ها به دو دلیل است. دلیل اول این است که آن‌ها هنوز تصمیم به خرید چیزی ندارند و دلیل دوم آموزشی است که والدین به فرزندان خود داده‌اند؛ زیرا افزایش سن بر درک کودک تأثیر گذاشته و آن‌ها با دقت بیشتری به توصیه‌های والدین خود گوش می‌کنند و این امر باعث شده است که دقت بیشتری بر رفتار اقتصادی خود داشته باشند. مشارکت‌کنندگان به طرق مختلف برداشت خود را بیان کرده‌اند:

«من دو ماهه که پول‌هام رو بدون اینکه منظور خاصی داشته باشم جمع کردم».

«مامان و بابام بهم گفتند که پول‌هات رو جمع کن، بگذار بانک تا بزرگ شدی بتونی خونه بخری، ماشین بخری».

- سبک زندگی والدین و گرایش به پس‌انداز

سبک زندگی و نیز میزان درآمد خانواده بر رفتارهای اقتصادی در خانواده، و رفتارهای اقتصادی کودکان خصوصاً مدیریت پول و پس‌انداز مؤثر است، مثلاً در خانواده‌های کم‌درآمد وقتی در خصوص کنار گذاشتن پول و مقدار پس‌انداز کردن پرسیده شد، بیان داشتند که با صرفه‌جویی که در خرید مواد غذایی انجام می‌دهند، می‌توانند مبلغ بسیار محدودی را پس‌انداز کنند. در مقابل والدینی که در طبقات متوسط به بالا قرار داشتند، این هزینه را با خرید کمتر لباس جمع‌آوری می‌کنند. در واقع با توجه به منابع درآمدی خانواده، رفتارهای اقتصادی متفاوت می‌باشد. مشارکت‌کننده‌ای از طبقه متوسط به پایین در این خصوص بیان کرده است:

«به هر حال برای اینکه ذخیره‌ای داشته باشیم، مجبوریم از خوراک‌مون بزنیم».

مشارکت‌کننده‌ای از طبقه متوسط به بالا بیان کرده است:

«الکی لباس نخریدم، الان این مانتو من هفت ساله تنمه، مقرریم دوازده ساله که تو سرمه»
 البته موارد دیگری نیز بر رفتارهای اقتصادی افراد تأثیرگذار است. یکی از این عوامل که به سبک زندگی خانواده برمی‌گردد، نحوه تفکر و برنامه‌ریزی است؛ زیرا افراد در این نوع رفتار با یکدیگر متفاوت هستند. عده‌ای از افراد به حال فکر می‌کنند و عده‌ای دیگر آینده را در نظر می‌گیرند. افرادی که به آینده فکر می‌کنند، مصرف خود را برای اهداف آینده به تعویق می‌اندازند و یا از آن چشم‌پوشی می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان داشته:

«خیلی وقت‌ها شده از جلوی مغازه‌ها رد شدم و دلم چیزی خواسته که حالا برای خونه یا بچه‌ها یا خودم بخرم، با این که پیشم پول بوده، نخریدم. گفتم بگذار نگهش دارم. حالا که اندازه خودمون همه چیز داریم. شاید این پول‌ها رو کم کم جمع کنیم یک ماشین بخریم».

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم در افرادی که پس‌انداز می‌کنند این است که چون این افراد آینده‌نگر هستند، کمتر بدهکار هستند. در واقع وقتی از والدین در خصوص میزان دارایی و بدهکاری آن‌ها پرسیده شد، بیان کردند وام دارند و این وام‌ها را جهت تأمین دارایی‌های خود دریافت کرده‌اند برای پرداخت آن‌ها برنامه‌ریزی داشته و باز تأکید بر بهبود زندگی در آینده داشتند، اما تعداد خیلی محدودی از خانواده‌ها بدهکاری داشتند؛ زیرا به گفته آن‌ها، همیشه هزینه‌ای را برای پس‌انداز داشته و آن را برای روزهایی که نیاز دارند هزینه می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده:

«همیشه یک مقدار ثابتی برای روز مبادا کنار می‌گذارم، که خدای نکرده اگر اتفاقی افتاد مجبور نشم به کسی رو بیاندازم که به من پول بده».

- انگیزه‌های پس‌انداز

از آنجایی که افراد در طبقات متفاوت، به صورت‌های مختلف جامعه‌پذیر می‌شوند، از این رو نحوه پس‌انداز آن‌ها نیز متفاوت است. از طرفی اهداف آن‌ها نیز از پس‌انداز متفاوت خواهد بود؛ بنابراین با توجه به مقوله‌های به دست آمده، مقوله هسته با عنوان انگیزه‌های پس‌انداز نام‌گذاری می‌شود که به شرح زیر است.

- پس انداز جهت نیازها

کودکان آموزش دیده‌اند که باید از پول خود به بهترین نحو استفاده کنند. آن‌ها از هرگونه هزینه‌کردن بیش از اندازه جلوگیری می‌کنند. بسیاری از کودکان بیان کرده‌اند که وقتی از والدین خود پول دریافت می‌کنند، مقداری از آن را پس انداز می‌کنند تا در مواقعی که نیاز داشتند بتوانند از آن پول استفاده کنند.

« من همیشه یک مقدار از پولم رو نگه میدارم که اگر یک موقع چیزی خواستم، پول داشته باشم که برم بخرم».

- پس انداز تحت تاثیر آموزش والدین

یافته‌ها نیز حاکی از این بودند که رفتار پس انداز ضرورتاً ناشی از رفتار صرفه‌جویانه در کودکان نیست، بلکه تعدادی از کودکان خود رغبتی به پس انداز کردن پول ندارند، ولی والدین آن‌ها را اجبار به این امر می‌کنند. در واقع آن‌ها پس انداز کردن را یک فعالیت ناکارآمد می‌دانند، اما چون والدین شان آن‌ها را تشویق به این امر می‌کنند، از نظر اجتماعی احساس می‌کنند باید این فعالیت را انجام دهند. در پاسخ به این سؤال «چرا پول‌ها را پس انداز می‌کنی»، کودکان پاسخ داده‌اند: «خودم که دوست ندارم پول‌هام رو جمع کنم، مامان و بابام همش میگن پول‌ها را جمع کن، بگذار بانک».

از لابه‌لای صحبت‌های والدین نیز می‌توان این مطلب را بیرون کشید. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان داشته است:

«به بچه‌هام یاد دادم پول‌هاشون رو پس انداز کنند. بعضی وقت‌ها بچه‌ها به من می‌گن چرا پول‌های من رو بانک می‌گذاری؟ به چه درد ما می‌خوره؟ بهشون می‌گم فردا بزرگ می‌شی، ماشین می‌خواهی بخری، ولی تو اون سن هزینه‌ها را بالاست و تو نمی‌تونی بخری ولی اگر از حالا پس انداز کنی، ریز ریز و خرد خرد می‌تونی به اون چیزی که می‌خواهی دسترسی پیدا کنی».

این نوع رفتار با کودکان ناخودآگاه کودکان را صرفه‌جو تربیت می‌کند. در واقع افراد وقتی هزینه‌های خود را کنترل می‌کنند و سعی می‌کنند از تعدادی از خواسته‌هایشان چشم‌پوشی کنند، عادت به صرفه‌جویی را در خود پرورش می‌دهند.

- پس‌انداز برای روز مبدا

کودکانی نیز آموزش دیده‌اند که پول خود را برای روزهای مبدا پس‌انداز کنند. آن‌ها بیان کردند که والدین‌شان آموزش داده‌اند که همیشه ذخیره‌ای در داخل کیف خود داشته باشند تا در مواقعی که نیاز به خرید چیزی داشتند، بتوانند آن را خریداری کنند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده است:

«مامانم بهم گفته، هر چقدر که بهت پول میدم نبر خرج کن. شاید یه روزی یک چیزی بخواهم بخرم ولی خُب پول نداشته باشم».

وقتی از والدین در خصوص آموزش رفتارهای اقتصادی به کودکان پرسیده شد، آن‌ها نیز خود بیان داشتند که کودکان‌شان را آموزش به پس‌انداز برای روز مبدا کرده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان داشته:

«به بچه‌هام یاد دادم پول‌هاشون رو پس‌انداز کنند. بهشون میگم الان اگر این پول رو ببری خرج کنی هیچی ازش نمی‌فهمی، ولی همیشه یک چیزی کنار داشته باشید که وقتی یک چیزی دلتون خواست، بدونید که پول دارید که برید بخرید. بعداً از داشتن اولدت می‌برید».

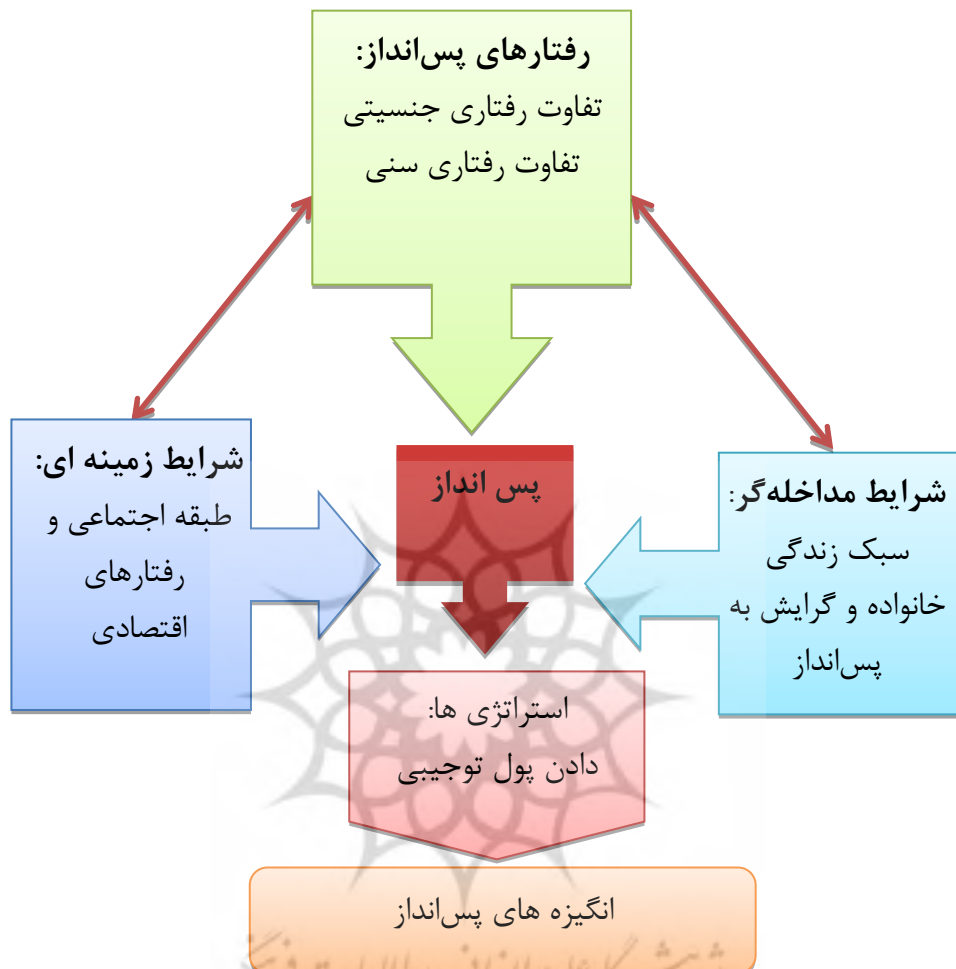
مهم‌ترین انگیزه‌ای که والدین در پس‌انداز دنبال می‌کنند، پس‌انداز برای روز مبدا است. مشارکت‌کننده‌ای در این خصوص بیان کرده است:

«همیشه یک مقدار از پولم رو کنار می‌گذارم، میگم یک روز مبادایی هم هست، نباید فقط به فکر الان باشم».

- مدیریت پول

البته عوامل دیگری نیز در نحوه خرج کردن پول کودکان مؤثر است. بسیاری از کودکان بیان کرده‌اند در صورتی که همه پول خود را خرج کنند، والدین آن‌ها از دادن پول بیشتر به آن‌ها امتناع می‌کنند. از این رو آن‌ها در هزینه‌کردن پول خود دقت بیشتری می‌کنند.

«وقتی مامانم اینا بهم پول میدن، خُب من باید درست خرجش کنم. آخه اگر پولم تموم بشه، دیگه به من پول نمیدن».



شکل ۱- رابطه مقوله اصلی با سایر مقوله‌ها

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، عوامل مختلفی چون جنسیت کودک، سن او، سبک زندگی و درآمد والدین و جایگاه طبقاتی خانواده آن‌ها بر چگونگی رفتارهای اقتصادی مطالعه شد. نتایج نشان داد اشتیاق کودکان جهت رفتارهای اقتصادی و خصوصاً پس انداز و نگرش آن‌ها به پول و

پس‌انداز از طریق والدین به آن‌ها منتقل می‌شود. در واقع تشویق والدین در زمینه پس‌انداز و آموزش آن‌ها بر موفقیت در پس‌انداز کودکان مؤثر است و این امر را برای کودکان آسان‌تر می‌کند. همان‌طور که شاهد بودیم، دادن پول توجیبی را به عنوان هدف خاص والدین در آموزش مدیریت پول به کودکان می‌توان در نظر گرفت. این نوع رفتار نه تنها کودکان را با مدیریت پول و رفتارهای اقتصادی آشنا می‌کند، بلکه به کودکان احساس اطمینان خاطر می‌دهد و آن‌ها احساس می‌کنند که جایگاهی در خانواده دارند و به والدین خود نیز احساس اعتماد می‌کنند. به این دلیل بود که وقتی از کودکان پرسیده می‌شد «اگر مامان و بابا بهت پول توجیبی ندهند ناراحت می‌شی» آن‌ها بیان کردند:

«نه، چون وقتی اونا به من پول بدهند من خوشحال می‌شم، وقتی هم ندهند می‌دونم که پول نداشتند که به من ندادند، اگر داشته باشن، باز بهم پول میدهن».

در واقع این حس در کودکان القاء شده که آنان در خانواده جایگاهی دارند و اعتماد آن‌ها نه تنها به خانواده بیشتر شده، بلکه آن‌ها به نوعی در خانواده احساس وجود کرده و احساس می‌کنند که جایگاهی در خانه دارند و این احساس وجود در خانواده برای کودک بسیار مهم است. به این دلیل است که وقتی به رفتارهای اقتصادی آن‌ها نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که رفتارهای آن‌ها الگو گرفته از خانواده‌هایشان است. به طوری که در خصوص رفتار پس‌انداز، مخصوصاً در کودکان زیر هشت سال که علاقه‌ای زیادی به پس‌انداز مشاهده نشد، اما باز به دلیل آموزش والدین و الگوگیری از والدین به این امر می‌پرداختند. کودکان بزرگ‌تر نیز در صدد بودند تا به توصیه‌های والدین خود گوش فرا داده و تا حد امکان از هزینه‌های اضافی خودداری کرده تا بتوانند پول‌های خود را پس‌انداز کنند. البته درک کودکان بالای ده سال از پس‌انداز بهتر بود و تا حدودی آن‌ها اهداف بلندتری را دنبال کرده و آینده‌نگرتر بودند.

رفتارهای طبقاتی نیز تأثیر خاصی بر رفتارهای اقتصادی کودکان داشت. البته خود این نوع رفتار نیز بر رفتارهای جنسیتی اثرگذار بود. به صورتی که والدین به صورت‌های مختلف به آموزش پس‌انداز در کودکان می‌پرداختند و بین دختر و پسر تفاوت قایل بودند یا در میزان دادن پول توجیبی به آن‌ها تفاوت‌هایی قایل بودند. این عوامل همگی منجر به انگیزه‌های پس‌انداز در کودکان می‌شود.

البته اهداف و انگیزه‌های پس‌انداز در کودکان و بزرگسالان متفاوت است. به این صورت که کودکان به یادگیری رفتارهای اقتصادی والدین خود می‌پردازند و عملاً آن‌ها را انجام می‌دهند، در صورتی که رفتار اقتصادی کودکان تأثیر خاصی بر رفتار والدین ندارد؛ زیرا کودکان با مشاهده و آموزش والدین به انجام رفتار پس‌انداز پرداخته‌اند و در عمل آن را انجام می‌دهند در حالی که هدف از پس‌انداز را به طور کامل آموزش ندیده‌اند و به این دلیل آنان بر خلاف والدین خود اهداف کوتاه‌مدت را دنبال می‌کنند، اما والدین اهداف بلندمدتی را دنبال خواهند کرد. در کل آموزش و تشویق والدین و مشاهده رفتار پس‌انداز والدین توسط کودکان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رفتارهای پس‌انداز کودکان است.

کتاب‌نامه

۱. ارکانی، ا.، آقاییوسفی، ع.، شقاقی، ف.، علی‌پور، ا.، کرباسی، م.، پناهی‌شهری، م.، زارع، ح.، مجدآبادی-فراهانی، ز.، اکبری‌دهکردی، م. و پولادی‌ریشهری، ا. (۱۳۸۶). *روانشناسی عمومی*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲. خادهمیان، ط. (۱۳۹۰). *سبک زندگی و مصرف فرهنگی، مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب.
۳. سیف، ع. (۱۳۸۶). *روانشناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. چاپ چهارم. تهران: نشر دوران.
۴. فرنیام، آ. و آرگایل، م. (۱۳۸۴). *روانشناسی پول*. (ش. یاسائی، مترجم). چاپ اول. تهران: جوانه رشد.
۵. کدیور، پ. (۱۳۸۵). *روانشناسی تربیتی*. چاپ نهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶. معاونت برنامه‌ریزی استانداری همدان. (۱۳۹۰). *مطالعات برنامه آمایش استان همدان، ۳۶ تهدیدات متوجه اقتصادی استان*. چاپ اول. همدان: معاونت برنامه‌ریزی استانداری همدان.
۷. معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه بوعلی سینا [برای] معاونت برنامه‌ریزی استانداری همدان. (۱۳۹۰). *مطالعات برنامه آمایش استان همدان، ۱۸ تحلیل اقتصاد کلان استان و جایگاه آن در سطح ملی*، چاپ اول. همدان: معاونت برنامه‌ریزی استانداری همدان.
۸. موسوی، ش. (۱۳۸۸). *پول تو جیبی، آموزش مهارت‌های روزمره زندگی به فرزندان*. چاپ اول. تهران: نشر قطره.

۹. رنج‌پور، ر.، کریمی تکانلو، ز.، و شکری، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی پس‌انداز و رشد اقتصادی در ایران طی دوره‌ی زمانی (۱۳۸۷-۱۳۴۰). *فصل‌نامه‌ی تحقیقات اقتصادی راه‌اندیشه*، (۲)، تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۳.
۱۰. طالب‌زاده‌نوبریان، م.، ابوالقاسمی، م.، عشوری‌نژاد، ف.، و موسوی، س. ح. (۱۳۹۰). بررسی روابط ساختاری خودپنداره، یادگیری خودتنظیمی و موفقیت تحصیلی دانشجویان، روش‌ها و مدل‌های روان-شناختی، ۱ (۴)، صص ۷۲-۵۹.
11. Akhter, A., Batra, D. K., Ravichandran, N., Zuhaib, M., Ur Rehman, sh. (2012) Consumer socialization of children: A conceptual framework, *International Journal of Scientific and Research Publications*, 2(1), 1-5.
12. Bonn, M., Earle, D., Lea, S., & Webley, P. (1999). South African children svIEWS of wealth, poverty, inequality and unemployment. *Journal of Economic Psychology*, 20, 593-612.
13. Denhardt, R. B., & Jeffress, P.W. (1971). Social learning and Economic behavior: The process of Economic Socialization. *The American Journal of Economics and Sociology*, 30(2), 113- 125.
14. Harrah, J., & Friedman, M. (1990). Economic Socialization in children in a Midwestern American community. *Journal of Economic psychology*, 11, 495-513.
15. Jundin, S. (1988). Ungdomars Konsumtion och sparande [Youth Consumption and Saving]. In K-E. Warnderyd, S. Jundin, & R. Wahlund (Eds.), *Sparbeteende och sparattityder [Saving behavior and saving attitudes]*. Stockholm: Allmanna Forlaget.
16. Lindqvist, A. (1981). *The saving behavior of households* (Unpublished doctoral dissertation). The Stockholm School of Economics, Stockholm.
17. Mortimer, J., Dennehy, K., Lee, C. & Finch, M. (1994). The prevalence, distribution and consequences of allowance arrangements. *Family Relations*, 43, 23-29.
18. Otto, A., & Cosima, M. (2009). *The Economic Psychology of Adolescent saving* (Unpublished doctoral dissertation). University of Exeter, England.
19. Otto, A. (2013). Saving in childhood and adolescence: Insights from developmental psychology. *Economics of Education Review*, 33, 8-18.
20. Roland-levy, C. (1990). A Cross-national comparison of Algerian and French children's economic socialization. *Journal of Economic Psychology*, 11(4), 567-581.
21. Sonuga-Barke E. J. S., & Webley, P. (1993). *Children's saving: A study in the development of economic behaviourn*. UK: Lawrence Erlbaum.

22. Webley, P., & Nyhus, E. K. (2006). Parents influence on children's future orientation and saving. *Journal of Economic Psychology*, 27(1), 140-164.
23. Webley, P., & Nyhus, E. K. (2012). *Economic socialization, saving and assets in European young adults. CSD Working papers*, 12(1), 1-19.
24. Webley, P., Levine, M., & Lewis, A. (1991). A study in economic psychology: Children's saving in a play Economy. *Human Relations*, 44(2), 127-146.
25. Wong, G., Glover, M., Nosa, V., Freeman, B., Paynter, J., & Scragg, R. (2007). Young people, money, and access to tobacco. *The New Zealand Medical Journal (Online)*, 120(1267), 1-10.

